

25) سیاحت غرب / محیط زیست : انحراف در جنبش طرفداران محیط زیست ؛ دیو فورمن

چکیده : علل تخریب محیط زیست ، انقراض طبیعت ، هجوم بیماری های عجیب، آلودگی اکوسیستم و ... از مشغولیات ذهنی آقای دیرفورمن است . او می گوید: به علت وضعیت طبیعت، نیروی قوی بر ضد طرفداران محیط زیست و سازش طرفداران آن ، فاجعه ای در حال رخ دادن است . نویسنده مفهوم توسعه پایدار را مفهومی که طبیعت را قربانی کرده و در جایگاه دوم می نشاند ، می داند . او به ترکیبی متوازن از کارکرد مشترک طبیعت و تمدن اعتقاد دارد . در ایالات متحده ، دولت فدرال دشمن قسم خورده محیط زیست شده است

25) سیاحت غرب / محیط زیست : انحراف در جنبش طرفداران محیط زیست ؛ دیو فورمن 1

چکیده:

علل تخریب محیط زیست ، انقراض طبیعت ، هجوم بیماری های عجیب، آلودگی اکوسیستم و ... از مشغولیات ذهنی آقای دیرفورمن است . او می گوید: به علت وضعیت طبیعت، نیروی قوی بر ضد طرفداران محیط زیست و سازش طرفداران آن ، فاجعه ای در حال رخ دادن است . نویسنده مفهوم توسعه پایدار را مفهومی که طبیعت را قربانی کرده و در جایگاه دوم می نشاند ، می داند . او به ترکیبی متوازن از کارکرد مشترک طبیعت و تمدن اعتقاد دارد .

در ایالات متحده ، دولت فدرال دشمن قسم خورده محیط زیست شده است. دولت راستگرای رئیس جمهور بوش و کنگره ایالات متحده، نه تنها دفاعی از محیط زیست به عمل نمی آورند بلکه سعی می کنند، میراث قرن بیستم طرفداران محیط زیست را هم از بین ببرند. آن ها بدون هیچ ملاحظه کاری، سعی می کنند که به دوران بارون های کائوچوی قرن نوزدهم بازگردند.

در حالی که مورد ایالات متحده یک مورد کاملاً سیاسی است، برخی کشورهای دیگر نظیر کانادا، نروژ و ژاپن که ادعای تمدن دارند؛ علیه طبیعت به یک جنگ صلیبی اقدام کرده اند. آن ها در جنگل های مرزی شروع به حفر معدن کرده اند؛ حیواناتی را که به زعم آن ها پردردسرنند (مانند گرگ ها و خرس ها) می کشند و وال ها را برای مقاصد در ایالات متحده، دولت فدرال دشمن قسم خورده محیط زیست شده است. دولت راستگرای رئیس جمهور بوش و کنگره ایالات متحده، نه تنها دفاعی از محیط زیست به عمل نمی آورند بلکه سعی می کنند، میراث قرن بیستم طرفداران محیط زیست را هم از بین ببرند.

تجاری شکار می کنند. اروپایی ها، چینی ها و آمریکایی ها در حال غارت آخرین منابع الوار، حیات وحش، مواد معدنی و نفت هستند و چنین عادات غلطی را در میان مردمان خود شایع می کنند.

Dave Foreman 1-

سازش و ضعف در حرکت های زیست محیطی و حفاظت محیط زیست

تلاش برای حفظ طبیعت وحشی و زودن آلودگی که می تواند باعث تخریب داخلی شود، باعث می شود که جناح های راست و چپ بتوانند با هم در این مورد و حتی در اصول و مبانی سازش کنند. حفظ محیط زیست جنبشی است که می خواهد زمین های وحشی و حیات وحش را حفظ کند (طبیعت به خاطر خود طبیعت)؛ طرفداری از محیط زیست، تلاشی است که می خواهد آلودگی را که برای سلامت انسان مضر است از بین ببرد و شهرها را قابل زندگی کند.

جناح راست تندرو مدت های زیادی خود را به اندیشیدن و اقدام کردن عادت داده است؛ جناح چپ در این باره شکست خورده است، چون استراتژی بلند مدتی را که باید از آن پیروی کند، اتخاذ نکرده است.

در سطح بین الملل هم از دهه 1980 میلادی به این طرف، تلاش های طرفداران محیط زیست برای حفظ زمین های وحشی و بومی به وسیله استفاده از پارک های ملی، زمین و نواحی حفاظت شده جای خود را به مصالحه ای داده است که در آن آژانس هایی کمک مالی می کنند و حتی برخی از گروه های بین المللی طرفدار محیط زیست تلاش کرده اند تا از آنچه که آن را توسعه پایدار و حفاظت محیط زیست مبتنی بر جامعه می دانند، طرفداری کنند. اگرچه این رهیافت ها تا مدتی تاکتیک های حفاظتی سالمی به حساب می آیند ولی در عمل، طبیعت را به جایگاه دوم رانده اند. این تأسیسات از بین برنده طبیعت، جای خود را به موارد دیگری داده است و موردنظر برخی از انسان شناسان و مهندسان اجتماعی چپ قرار گرفته است تا نواحی حفاظت شده را در حمایت از منابع از بین رونده، نابود یا معامله کنند.

برخی کشورهای دیگر نظیر کانادا، نروژ و ژاپن که ادعای تمدن دارند؛ علیه طبیعت به یک جنگ صلیبی اقدام کرده اند.

گروه ها و سازمان های طرفدار محیط زیست که خود از سوی چپ و راست تحت فشار هستند، به انکار این امر پرداخته اند که رشد جمعیت باید به صفر برسد، اگر چه خود این رشد جمعیت، منشأ بسیاری از مشکلات زیست محیطی می باشد. در حال حاضر، ادعای مخالف این است که رشد جمعیت کم شده است و این که ملت های توسعه یافته به خاطر جمعیت جوان، کمتر با فروپاشی مواجه می شوند. حرکت های طرفدار محیط زیست هم از این شرمنده هستند که بگویند، حقیقت این است که بشر در معرض انقراض کلی می باشد. اگر این گروه ها وضعیت فکری مشخصی نداشته باشند، چگونه می توانند اقدام درستی را صورت دهند؟

در حال حاضر، تغییر در ایالات متحده از حفظ محیط زیست به طرفداری از منابع در جریان است و سازمان های تأثیرگذار و مشهوری از آن حمایت می کنند؛ مثلاً جنبش حفاظت از طبیعت که جنبش مشهوری می باشد، به این سمت حرکت کرده است. آن ها در حال حاضر از «مناظر طبیعی کاربری» صحبت می کنند که حسن تعبیری برای درخت افکنی و حیوان چرانی در طبیعت است و از کارمندانشان خواسته اند که بیشتر درباره مردم صحبت کنند تا درباره طبیعت. اخبار شورای استانی که زمانی صدایی بلندآوازه در حفاظت از محیط زیست داشت، امروز درباره طرفداری از منابع صحبت می کند؛ آن ها دیگر درباره حفاظت از حیات وحش سخنی نمی گویند بلکه درباره جوامع کوچکی که این حیات را از بین می برند، صحبت می کنند؛ آن ها همچنین از مذاکره بین طرفداران محیط زیست و صنایع از بین برنده حیات وحش حرف می زنند که معمولاً نتیجه این مذاکرات به نفع صنایع است.

برخی از مشورت دهندگان، بنیادها و رئالیست های سیاسی، در حال مذاکره با طرفداران حیات وحش هستند تا بتوانند قانونی را بگذرانند که به طور متناسب از حیات وحش موجود طرفداری کنند. این تلاش برای به سازش کشاندن طرفداران محیط زیست برای گذراندن قوانین جدید است و اقدامی فوق العاده در برابر پیروزی (با برتری اندک) راست رادیکال در انتخابات سال 2004 می باشد. علت دیگر این فشار، این تصور مبهم است که آرزو می شود، اگر مردم بتوانند با هم صحبت کنند، همه چیز حل خواهد شد.

اروپایی ها، چینی ها و آمریکایی ها در حال غارت آخرین منابع الوار، حیات وحش، مواد معدنی و نفت هستند و چنین عادات غلطی را در میان مردمان خود شایع می کنند.

برخی از جوانان هوشمند با انجام مباحثاتی در مورد مرگ طبیعت گریایی، توجه هایی را به خود جلب کرده اند. تا زمانی که آن ها بحث حفاظت از طبیعت را به حساب نیاورند، از

طرفداران محیط زیست خواهند خواست که توجه عمده خود را به بحث های مربوط به عدالت اجتماعی و سایر اهداف و آرمان های پیش برنده انسانی معطوف کنند. در کل، آن ها می خواهند که جنبش های طرفدار محیط زیست به کناری روند و بخشی از جنبشی شوند که از اجزاء حزب دمکرات باشد. تعیین هویت گسترده طرفداری محیط زیست به همراه حرکت های پیشرو و جنبش دمکراتیک، دلیلی کلیدی است که همه این حرکت ها نزد مردم آمریکا اعتبار خود را از دست داده است.

درست همان طوری که تغییری عمده در نزد بخش های عمده ای از جامعه آمریکا روی داده است، همان طور هم تغییراتی معضل آفرین در میان اعضای جامعه طرفدار محیط زیست روی داده است. اگر بخواهیم درباره این موضوع صریح باشیم، بسیاری از اعضای جنبش طرفدار محیط زیست، نسبت به تاریخ ایالات متحده بی تفاوت هستند و کتاب های کلاسیک درباره حفاظت از محیط زیست را نخوانده اند. در این جنبش، به طور عمده، عدم وجود حرکت های روشنفکرانه مشاهده می شود. روی هم رفته، اعضای جناح راست رادیکال و ضد حفاظت محیط زیست، بیشتر از طرفداران محیط زیست می اندیشند. در حال حاضر، جوانانی که قبلاً به پیاده روی در مناطق کوهستانی می رفتند به خاطر عدم تحرک این جنبش ها، دیگر رفتن به این مناطق و مناطق بدون جاده را ترجیح نمی دهند. دیگر نمی توان کودکان را در نقاط وحش مشاهده کرد و آن ها بیشتر به واقعیت های مجازی پناه برده اند.

این ها روندهایی است که مشاهده می شود. هرچند به طور قطع می توان استثناهایی را هم مشاهده کرد. اما توجه زیاد به این استثناءها، ما را از توجه به واقعیت ها باز می دارد. در اینجا نمی توان از وجود «تفاوت های جزئی» سخن گفت. برای غلبه بر این مشکلات، باید به دنبال اتخاذ یک استراتژی مؤثر بود.

باید بتوانیم به ترکیبی درست دست یابیم که طبیعت و تمدن چطور می توانند با هم به سازش برسند.

در دسامبر سال 1776 میلادی، انقلاب آمریکا در بغرنج ترین وضع خود بود. تام پین در پاسخ این وضعیت، اولین مقاله «بحران» خود را نوشت: «ما الان در زمانی به سر می بریم که نیاز به روح بشر داریم. سربازان تابستانی و حافظان طلوع آفتاب در این جنبش خواهند بود و می خواهند خدمتی به کشور خود کرده باشند، ولی نیاز به حمایت مردان و زنان دارند».

ما نیاز به افرادی مانند تام پین در اوقات تاریک خود داریم. بگذار از این که دوستدار طبیعت هستیم، اندوه نخوریم. از این که طرفدار محیط زیست هستیم و از این که حقیقت را می گوئیم، شرمند نباشیم. به دیگران برسیم. باید بتوانیم به ترکیبی درست دست یابیم که طبیعت و تمدن چطور می توانند با هم به سازش برسند.

منبع: Rewilding Institute